

فقر: عامل اصلی ازدواج‌های اجباری

مقوله‌ازدواج‌های اجباری همیشه در کشور ما وجود داشته‌اما مسئله‌ای که این روزها به آن اشاره می‌شود انجام اینگونه ازدواج‌ها برای دریافت وام ازدواج است که مبلغ آن به ۱۰۰ میلیون تومان رسیده است. به گزارش برنا حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران با اشاره به ازدواج‌های اجباری در کشور گفت: یکی از دغدغه‌های دو دهه اخیر کشور، ازدواج افراد در سنین پایین بود و متأسفانه هنوز هم وجود دارد. آماري که هر ساله به دست می‌آید نشان می‌دهد حدود ۵۰ هزار نفر از دختران زیر ۱۵ سال ازدواج می‌کنند. به دلیل



تأثیرات منفی ازدواج در سنین پایین، قانون یک بار اصلاح شد و طبق آن سن قانونی ازدواج دختران به ۱۳ سال رسید که مجمع تشخیص مصلحت نظام سه شرط را هم به عنوان استثنا قرار داد. نمایندگان مجلس قبل هم تلاش کردند سن ازدواج را افزایش دهند اما در نهایت موفق نشدند و به همان شکل قبلی ماند. او با اشاره به ازدواج‌هایی که به دلیل دریافت وام ازدواج انجام می‌شده، گفت: دلیل اکثر ازدواج‌های اجباری در سنین پایین فقر اقتصادی خانواده‌هاست در واقع می‌توان

گزارش آفتاب یزد در پی خیز برخی مجلسی‌ها برای فیلتر اینستاگرام

جوانان را برای استفاده از فیلتر شکن تشویق می‌کنید



■ سقوط آزاد نوجوانان

امیر محمود حریریچی در این‌خصوص به آفتاب یزد گفت: «سال‌هاست که در حال تجربه فیلتر و سانسور هستیم اما در پی آن آسیب‌های اجتماعی بزرگتر و عمیق‌تر شده که برطرف نشده است! یک زمانی ماهواره را جمع می‌کردند چون آن را دلیل انحراف جامعه و ترویج بی بند و باری می‌دانستند در حالی که اگر در همان زمان‌ها به جای آن همه وقت و انرژی که صرف جمع کردن ماهواره‌ها شد صرف فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی برای تحکیم خانواده‌ها می‌کردند امروز این همه قبح شکنی اتفاق نیفتاده بود و دیگر مواردی مثل اینستاگرام و تلگرام نمی‌توانست بنیان خانواده‌ها را به لرزه در بیاورد! بعد از آن نوبت به فیلتر تلگرام و توئیتر رسید، چه نتیجه موفقی از این فیلترها کسب شد که امروز به فکر فیلتر اینستا گرام افتاده اند؟ یا استفاده از تلگرام کاهش یافت؟ همین چند وقت پیش که کرونا شیوع پیدا کرد خیلی از معلمان در بستر تلگرام به آموزش مجازی می‌پرداختند، نمی‌توان از آن‌ها خرده گرفت چون مسئولانی که توئیتر را فیلتر کردند امروز جزو کاربران فعال توئیتر هستند! تنها نتیجه‌ای که از فیلتر تلگرام حاصل شده این است که نوجوانان را در بحرانی‌ترین سنش با فیلتر شکن‌ک و دنیای نا محدود فضای مجازی آشنا کردیم و آن‌ها را ترغیب کردیم که از دنیای بی در و پیکر فیلتر شکن‌ها و بد افزارها استفاده کنند، در واقع ما با این کار نوجوانانمان را به سمت آسیب‌ها هول دادیم و حالا می‌خواهیم با فیلتر اینستاگرام شاهد سقوط آزاد آن‌ها باشیم!»

■ بی اعتمادی اجتماعی با ایجاد فیلتر

او در ادامه تأکید کرد: «نکته جالب برای من این است که همین

اگر توئیتر چیز بدی است چرا مسئولین از آن استفاده می‌کنند و اگر آنقدر خوب است که مرجع خبر محسوب می‌شود و مسئولین خبرهایشان را در آن منتشر می‌کنند چرا اجازه نمی‌دهند مردم در آن بستر فعالیت کنند! این تناقضات اعتماد اجتماعی را هر روز کم رنگ تر می‌کند! چرا مسئولان به این امر توجه ندارند که با فیلتر یک بستر تنها صورت مسئله را پاک می‌کنند و به آسیب‌های دیگر دامن می‌زنند و در نهایت هم نتیجه ای که می‌خواهند حاصل نمی‌شود! آنقدری که هزینه صرف می‌کنند تا فیلتر کنند اگر تولید محتوای درست انجام می‌دادند تا الان خیلی از آسیب‌های اجتماعی در کشور ما ماریشه کن شده بود

آقایان که امروز بر فیلتر اینستاگرام تأکید دارند چند ماه پیش کل تبلیغاتشان برای رای آوردن در انتخابات مجلس را در همین فضاها انجام می‌دادند و گروه رقیب را می‌زدند حالا که بر کرسی نشستند چیزی را بد می‌دانند که دلیل موفقیت خودشان بود! چیزی که این روزها تحت عنوان بی بند و باری از آن یاد می‌شود نیاز به آموزش دارد نه فیلتر کردن! جامعه باید آموزش ببیند که به سمت چنین مسائلی نرود و هیچ چیز به اندازه تهیه محتوای آموزنده و درست نمی‌تواند در این زمینه اثر گذار باشد، پیش از این دیده بودیم وقتی بدون آموزش برخورد قهری انجام می‌دهیم نتیجه اش این می‌شود که آسیب در بستر دیگری ظهور پیدا می‌کند؛ مثل سایت‌های سیغه یابی که فیلترسر کردیم بعد تبدیل به کانال

از پس گردنی تالمس فیزیکی

آزار دوچرخه‌سواران در جاده‌ها

فیزیکی داشتند؟ از مواردی که خودرو به قدری خودش رو به من نزدیک کرده و باعث انحراف من از جاده و زمین خوردن من شده؟ از مواردی که خودرو به قدری به من نزدیک شده که سرشیش خودرو، دست درازی کرده! بارها مورد فحاشی قرار گرفتم! با حملاتی زشت و کلماتی رکیک چندین بار منو تعقیب و تهدید کردند، تاکنون دوبار تصادف عمدی دو بار تصادف غیر عمدی رو تجربه کردم. آخرین بار تصادفی که با سهل‌انگاری و بی‌تفاوت بودن به حضور دوچرخه سوار نادیده گرفتن دوچرخه سوار منجر به آسیب جدی برای من شد. تصادف آخر باعث شد که من برای همیشه از رفتن به خیابان و جاده ترس بزگی داشته باشم و هرگز به تنهایی رکاب زنم یا دوچرخه رو با ماشین به مکان‌های امن و محدود ببرم و رکاب بزنم. ولی با همه این مشکلات علاقه من به دوچرخه سواری به قدری بوده و هست که هنوز هم رکاب می‌زنم.»

همچنین محمد جواد رنگینی از دیگر دوچرخه سواران است که در ورزشکاران دوچرخه سوار در جاده‌های کشور شده است. کم نیوده‌اند دوچرخه‌سواری که بی‌دقتی رانندگان یا شوخی و خشونت سایرین آنها را به کام مرگ کشانده است. محمد تیرانداز سال ۱۳۸۶ در کرمان، جسیم ایرتمش سال ۱۳۸۶ در کرمان، علی نوروزیان سال ۱۳۹۴ در لرستان، علی طالبیان سال ۱۳۹۰ در آذربایجان شرقی، حامد ولد سال ۱۳۹۶ در تهران، علی حیدری در دوچرخه‌ها، رضا احمدی در تهران و اخیرا مهیار فرانز سال ۱۳۹۹ در یزد از جمله دوچرخه سواران حرفه‌ای کشورمان بوده‌اند که جان خود را در جاده‌ها از دست داده‌اند. این اواخر نیز «نوس زرین خاک» که یک زندگی ورزشی داشته‌بود بدین‌بست، تازه‌ترین مورد آزار و اذیت دوچرخه‌سواران به چند روز گذشته باز می‌گردد که ممکن بود به حادثه‌ای جانگاز تبدیل شود. برای همین اکنون پای محبت و تجارب ناگوار برخی از دوچرخه سواران در نقاط مختلف ایران نشستیم تا به روایت تجربه‌های خود بپردازند بلکه مخاطبانی که تا چند وقت پیش تصور می‌کردند این کارشان فقط یک شوخی است، آگاه شوند که گاهی همین شوخی به ظاهر کوچک‌شان ممکن است چه آسیب‌های روانی و جسمی‌غیر قابل جبرانی به بار بیاورد.

«پیام جدد» و «حمید سلیمانی» از جمله دوچرخه سواران بازممانده هستند که مورد خشونت قرار گرفته‌اند. هم‌رکاب بیمان مجدد ماجرای خشونت و سوءقصدی که به جان پیمان شد را این گونه روایت می‌کند: «بعد از تمرین حین بازگشت از استادیوم آزادی به سمت شهریار بودیم که دو نفر از داخل ماشین شروع به فحاشی کردند. بعد از رد شدن از کنار ما و اعتراض دوچرخه سواران که چرا فحاشی می‌کنید آنها با کاتر (چاقو) از ماشین پیاده و به سمت پیمان حمله‌رو شدند. کلاه کاسکت پیمان بیشتر ضربه‌ها رو گرفت ولی برخورد کاتر با دست پیمان باعث شد تا شاه رگش آسیب ببیند و عجلش کنند»

ویدا هم از جمله بانوان دوچرخه سوار است که به طور حرفه‌ای دوچرخه سواری می‌کند. این بانوی دوچرخه سوار کلکسیونی از تجهیزات تلخ خود را این گونه ارائه کرده است: «رهن خاطرات زیادی از اذیت‌های دیگران نسبت به خودم در حین دوچرخه سواری دارم. ی کدومش بگم؟ از سرزمین‌هایی که سرشناس ماشین‌ها از پشت به کمرم می‌زدند!از پرتاب میوه و زباله از داخل خودرو؟ از پاشیدن آب از داخل خودرو؟ از تعقیب‌های موتور سواری‌ا که قصد سوء استفاده و آزار

افتاب.yz@gmail.com



سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۹۹ ● شماره ۵۷۶۲

آفتاب

علت باز داشت مؤسس جمعیت امام علی(ع)

با تأیید خیر بازداشت شارمین میمندی نژاد مؤسس جمعیت امام علی(ع) جزئیات تازه ای از علت بازداشت این فرد تشریح شد. مشخص شده است که این فرد در پوشش اقدامات عام‌المنفعه با مراکز ضد ایرانی همکاری داشته است.براساس اطلاعات به دست آمده عناصر اصلی این موسسه علاوه بر توهین به مقدسات و ترویج تفکرات انحرافی ضد دینی با رسانه‌های معاند و بیگانه همکاری داشته اند. /فارس

کرونا خیز

جهان
تعداد مبتلایان: ۹میلیون و ۵۱هزار و ۸۸۹ نفر
تعداد فوتی‌ها: ۴۷۰هزار و ۸۲۱ نفر
تعداد بهبود یافتگان: ۴میلیون و ۸۴۲هزار و ۲۵ نفر

ایران

تعداد مبتلایان: ۲۰۷ هزار و ۵۲۵ نفر
تعداد فوتی‌ها: ۹ هزار و ۷۴۲ نفر
تعداد مبتلایان امروز: دو هزار و ۵۷۲ نفر
تعداد فوتی‌ها امروز: ۱۱۹ نفر

آمریکا

تعداد مبتلایان: ۲میلیون و ۳۵۶هزار و ۶۵۷ نفر
تعداد فوتی‌ها: ۱۲۲هزار و ۲۴۷ نفر

برزیل

تعداد مبتلایان: یک میلیون و ۸۶هزار و ۹۹۰ نفر
تعداد فوتی‌ها: ۵۰هزار و ۶۵۹ نفر

ستون سبز

آلایندگی تابستانه‌دوباره گریبان تهران را گرفت

آمارها نشان می‌دهد پس از گذشت سه ماه از شروع سال، کیفیت هوای تهران ۶ روز در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس قرار گرفت که از این حیث کمترین تعداد روزهای ناسالم در سه ماهه اول در مقایسه با سال‌های ۹۰ تا ۹۸ است و بررسی‌ها حاکیست که این تعداد روزهای ناسالم به علت آلایندة از ن رقم خورده است.

به گزارش ایرنا، پدیده «اینورژن» یا «روانگی‌دما» یکی از دلایل آلوده شدن هوا در کلاشهرها به ویژه تهران است اما با شروع فصل گرما این دلیل خود به خود از بین می‌رود و معمولا آلودگی هوا ناشی از توفان‌های گرد و غباری جایگزین می‌شود که به علت خشک شدن تالاب‌ها و کویری شدن دشت‌ها ایجاد می‌شود اما چند سالی است که آلایندة دیگری وارد عرصه شده که به نام آلایندة از ن شناخته می‌شود، طی چند سال اخیر، از ن به یکی از آلایندة‌های شاخص هوا در فصل تابستان و روزهای گرم و آفتابی سال در شهر تهران تبدیل شده است.

آلایندة‌های که در کنار تابش خورشید آلایندة از ن تولید می‌کنند دو آلایندة اکسیدهای نیتروژن و گازهای آلی فرار هستند، یکی از منابع بسیار مهم اکسیدهای نیتروژن خودروهای دیزلی و آلایندة ترکیبات آلی فرار هم از موتورسیکلت‌های کاربوآتوری و جایگاه‌های عرضه سوخت منتشر می‌شوند و زمانی که خورشید به این آلایندة‌ها می‌تابد به از ن تبدیل می‌شوند بنابراین استانداردها بودن این منابع در راستای کاهش آلودگی هوا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. افزایش غلظت از ن عوامل مختلفی دارد اما چیزی که مشخص است این که خورشید به تنهایی نمی‌تواند عامل آلایندة از ن باشد و انسان هم در ایجاد از ن نقش دارد، سازمان محیط‌زیست آمریکا

در این ساره گفته که آلودگی از ن زمانی اتفاق می‌افتد که آلایندة ناشی از خودرو، نیروگاه‌ها و صنعت کارخانه‌های شیمیایی با حضور نور خورشید واکنش نشان دهند و از ن به وجود آید، واکنش‌های شیمیایی اکثرا در هوای گرم با سرعت بیشتری رخ می‌دهد پس از ن در هوای گرم به وجود می‌آید و به همین دلیل این یک مشکل تابستانی است، نکته مهم در این زمینه آثار مواجهه با این آلایندة خطرناک در هوا است، البته این مساله فقط مختص ایران نیست و یا تهران نیست بلکه امروزه گاز از ن یکی از آلایندة‌های هواست که در کشورهای اروپایی و توسعه یافته بیشترین نگرانی را از منظر تهدیدات بهداشتی به خود اختصاص داده است. از ن یک اکسیدان بسیار قوی است و می‌تواند سبب بروز مشکلات تنفسی متعدد مانند حملات آسمی، کاهش عملکرد ریه و بیماری‌های جدی تنفسی شود، بنابراین افزایش روزهای ناسالم به دلیل این آلایندة طی چهار سال اخیر در کلاشهر تهران در فصول گرم سال، می‌تواند تلنگری باشد برای ما تا با تمرکز بیشتری بر کاهش آلایندة‌های انسان ساخت ایجاد کننده آن در جمله ارتقای کیفیت سوخت برای خودروهای دیزلی، از رده خارج کردن خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده، از افزایش این آلایندة پرخطر در هوای

شهرهای بزرگ جلوگیری کنیم.

گفت خانواده‌ها برای کاهش خرج و مخارج زندگی، دختر خود را شوهر می‌دهند. بانک مرکزی و نهادهای مربوطه باید آمار دقیقی از ازدواج‌هایی که به دلیل وام ازدواج انجام شده ارائه دهند تا بتوان درمورد آن بحث و تحلیل مستند انجام داد و به نتیجه واحدی رسید. از آنجایی که سن ازدواج بالا رفته و رغبت ازدواج در مردان کاهش پیدا کرده خانواده‌هایی هستند که به دلیل وضعیت مالی ضعیف، دختران زیر ۱۵ سال خود را به عقد مردان سن بالا در می‌آورند.

تلگرامی‌شدند باز فیلتر کردیم تبدیل به اپلیکیشن شدند! دیدیم آسیب از بین نرفت، تنها رنگ و شکل عوض کرد! فیلتر تلگرامی‌یک بدنامی‌بزرگ برای کشور ما در جوامع بین المللی و یک بی اعتمادی اجتماعی برای جامعه ما به همراه داشت. از طرف دیگر وقتی ما یک اپلیکیشن کاربردی که طرفدار زیادی دارد را فیلتر می‌کنیم به مردم یاد می‌دهیم که از فیلتر شکن استفاده کنند. »

■ مسئولان فیلتر را دور می‌زنند

او تأکید کرد: « استفاده از بد افزارها و فیلتر شکن‌ها آسیب‌های جبران نا پذیری را به جامعه ما اعمال می‌کند، همین که نوجوان اقدام به استفاده از فیلتر شکن می‌کند سایت‌های نا معترف برای تبلیغ باز می‌شوند و این نوجوان که در بدترین سن قرار دارد اگر از روی کنجکاوی هم سerry هم به این سایت‌ها بزند یک آسیب بزرگ اجتماعی به همراه خواهد داشت. مسئولان از بی بندو باری و افسار

■ مسئولان فیلتر را دور می‌زنند

او تأکید کرد: « استفاده از بد افزارها و فیلتر شکن‌ها آسیب‌های جبران نا پذیری را به جامعه ما اعمال می‌کند، همین که نوجوان اقدام به استفاده از فیلتر شکن می‌کند سایت‌های نا معترف برای تبلیغ باز می‌شوند و این نوجوان که در بدترین سن قرار دارد اگر از روی کنجکاوی هم سerry هم به این سایت‌ها بزند یک آسیب بزرگ اجتماعی به همراه خواهد داشت. مسئولان از بی بندو باری و افسار

گسیختگی فضای مجازی و اینستاگرام می‌گویند سوال من این است که مگر سانسور مشکلی را حل کرد که امروز فیلتر مشکلی را حل کند؟ یکی از دلایلی که امروز مردم ما به فیک نیوزها رو آورده اند سانسور در منابع اصلی خبر است!

بند ترین جای ماجرا این جا است که فیلتر فقط برای مردم اتفاق می‌افتد و مسئولین از این فیلتر بی بهره هستند، برای مثال همین حالا که توئیتر فیلتر است خیلی از مسئولین از اینترنت بدون فیلتر بهره مند هستند و از فضای توئیتر برای اطلاع رسانی استفاده می‌کنند. اگر توئیتر چیز بدی است چرا مسئولین از آن استفاده می‌کنند و اگر آنقدر خوب است که مرجع خبر محسوب می‌شود و مسئولین خبرهایشان را در آن منتشر می‌کنند چرا اجازه نمی‌دهند مردم در آن بستر فعالیت کنند! این تناقضات اعتماد اجتماعی را هر روز کم رنگ تر می‌کند! چرا مسئولان به این امر توجه ندارند که با فیلتر یک بستر تنها صورت مسئله را پاک می‌کنند و به آسیب‌های دیگر دامن می‌زنند و در نهایت هم نتیجه ای که می‌خواهند حاصل نمی‌شود! آنقدری که هزینه صرف می‌کنند تا فیلتر کنند اگر تولید محتوای درست انجام می‌دادند تا الان خیلی از آسیب‌های اجتماعی در کشور ما ریشه کن شده بود.»

فیلتر و سانسور و برخوردهای قهریه را سال‌ها تجربه کرده ایم اما در همه این سال‌ها هیچوقت آموزش درستی به مردم به ویژه نوجوانان و جوانان داده نشده که بتوانند از خودشان در برابر آسیب‌های اجتماعی دفاع کنند؛ درحالی که آسیب‌های فضای مجازی تنها یک نما از چیزی است که زیر پوست جامعه در جریان است. آیا وقت آن نرسیده که به جای فیلتر سانسور به فکر آموزش و تولید محتوای درست باشیم؟

رد شوم، چون دو سه کیلومتر جلوتر شهر کوچیکی با کلی مغازه بود. خواستم تندتر بروم مجبور شدم خیلی مسیر رو ایستاده رکاب بزنم اونا هم جواری به من نزدیک میشدن که دستشوون بهم می‌زدن! به عده‌ای هم جلوتر با موتور مسیرم رو می‌بستن من مجبور می‌شدم برم وسط خیابون آزارشون اونقدر شد که مجبور شدم برم جهت مخالف خیابون رکاب بزنم تا اونا بشرونن کم کنند. بعد اونا رفتن و از مسیر مخالف دوباره برگشتن. دقیقا رو در رو مجبور شدم رکاب بزنم منم برای اینکه نظم‌شونو بهم بزنم همچونجوری مخالف به حالت مارپیچی که خودشون باهام انجام داده بودن رکاب زدم که خدا رو شکر دور شدن ولی تا خود اون آبادی کلا تو مسیر مخالف رکاب زدم که از دست موتور سوارها راحت شدم. ولی کلا رکاب تو جهت مخالف خیلی خیلی خطرناکه اما این خطر رو پذیرفتم بخاطر آزار و اذیت روحی و روانی و چه بسا جسمی اون موجودات پست.»

■ نکات روشن دوچرخه سواری

این‌چند روایت تنها بخش کوچکی از مسائلی است که روزانه دوچرخه سواران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و بخش کوچکی از جامعه که به تصور خود شوخی می‌کنند اما در عمل به دوچرخه سوار آزار و اذیت می‌رسانند باید تغییر جدی در رفتار و فرهنگ خود داشته باشند و مقامات قضایی نیز باید برخورد جدی و شدیدی با این گونه مزاحمان داشته باشند چرا که این آزار و اذیت می‌تواند منجر به خطرات جانی دوچرخه‌سواران شود.

یکی از موضوعات مشترک در روایت‌ها این بوده که اغلب دوچرخه سواران طعمه آزار و اذیت می‌شوند که به طور تک نفره یا در گروه‌های بسیار محدود رکاب می‌زنند. نکته دیگر که می‌توان در این روایت‌ها در نظر داشت پرهیز از مساجره است. چراکه در صورت بالا گرفتن بحث، امکان گلاویز شدن بالا می‌رود و دراین بین میزان آسیب رسیدن به دوچرخه سوار ممکن است بیشتر باشد چراکه وقتی آسانی با قصد قبلی انجام به کاری مانند آزار رساندن می‌کند خود را برای عواقب بعدی آن آماده کرده است.

علاوه بر این ضرورت دارد که پیش از انجام هرگونه اقدامی نسبت به یادداشت کردن شماره پلاک خودرو یا موتور سریعاً اقدام شود تا با طرح شکایت از طریق مجرای قضائی به مزاحم رسیدگی شود. اگر چه این کار ممکن است زمان‌بر باشد اما جنبه تنبیهی و تربیتی عمومی‌هم خواهد داشت. به این شرط که نهادهای قانونی همکاری لازم را با دوچرخه سواران داشته باشند. همچنین این ضرورت احساس می‌شود که ورزشکاران و ماجراجویانی که با خطر بیشتری سر و کار دارند نسبت به بیمه کردن خود اقداماتی انجام دهند تا چنانچه آسیبی به آن‌ها رسید هزینه‌های درمان را تأمین کنند؛ چراکه بیمه یک سرمایه گذاری مطمئن در تضمین سلامتی و جبران خسارت است. در پایان باید گفت چنانچه بستری در کشور فراهم شود که دوچرخه به عنوان یک وسیله نقلیه عمومی‌شناخته شود مردم نیز نسبت به دوچرخه سواران تغییر نگرش پیدا خواهند کرد و این تصور را نخواهند داشت که دوچرخه سواران عمدتا افراد ثروتمند و پولدار جامعه هستند که برای خوشگذرانی این ورزش را انتخاب کرده‌اند. اگر این نگرش تغییر یابد عمدتا از مقده‌های درونی افراد با تربیت نادرست آنها کاسته خواهد شد و با احترام بیشتری می‌توان در کنار یکدیگر به هم‌زیستی پرداخت.

پیامهای مرده‌ی در صفحات ۳-۶-۸